

نقش مالی و اقتصادی زمین ایرانی در مدیریت مخارج در عصر عباسیان (۱۳۲ - ۳۲۰ هجری)

فریده وفائی^۱

رمضان رضایی^۲

عباس احمدوند^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

چکیده

بررسی نقش مالی و اقتصادی زمین ایرانی در مدیریت مخارج و نفوذشان در دربار خلفای عباسی با عناوینی چون کتابت، طبابت، مشاوره از مباحثی است که کمتر بدان پرداخته شده است. اگرچه سرزمینهای مفتوحه به سرعت در اختیار اعراب مسلمان قرار گرفت، اما کمی تجربه، آنان را وادار به بهره مندی از توان اقتصادی و مالی زمین در مدیریت مخارج گردانید. این مقاله با استفاده از متون تاریخی و بهره گیری از برخی نظریات مالی و اقتصادی باروش تحلیل علمی و عقلانی به توضیح و تبیین نقش مالی و اقتصادی زمین در عصر عباسی می پردازد.

واژگان کلیدی: اهل ذمه، ایرانی، مالی و اقتصادی، مدیریت مخارج، عصر عباسی

۱- دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

با وجود اینکه مباحث اقتصادی، شاخه ای از علوم اجتماعی است و به حوزه تولید، توزیع، مصرف کالا و خدمات مرتبط می شود. اما در تمام شئون مختلف عمومی و خصوصی زندگی ملتها و دولتها تاثیر نیرومندی داشته و دارد. بدین ترتیب خوشبختی یا تیره بختی هر ملت تا حدودی بستگی به نوع سیاست مالی و اقتصادی است که دولت در قبال ملت خویش از آن تبعیت می کند. لذا بررسی تاریخی آن برای شناخت فرهنگ و تمدن ایرانیان در عصر عباسیان به ویژه ایرانیانی که هنوز مسلمان نشده اند و جزء اهل ذمه بودند، حائز اهمیت در این مقاله می باشد.

در این مقاله تلاش می شود نخست باروش توصیفی اوضاع و نقش اقتصادی و مالی اهل ذمه در عصر عباسی تشریح شود. سپس با استفاده از موقعیت اهل ذمه و تحلیلی از نقش و نفوذ آنان در دربار خلفای عباسی ارائه گردد، و پاسخی برای پرسش اصلی که نقش آفرینی و کارآمدی اهل ذمه در مدیریت هزینه ها در اداره امور مالی و اقتصادی ایران در حد فاصل سالهای ۱۳۲- ۳۲۰ ه. ق چه تاثیری داشته است؟ و چگونه اهل ذمه با نفوذی که در دربار خلفای عباسی داشتند، تاثیر در اقتصاد عباسیان می گذاشتند؟

در آغاز برای فهم تئوری نقش اقتصادی و مالی اهل ذمه، ذکر چند نکته شایسته است، این نکات عبارتند از:

مال که از مصدر «میل» گرفته شده است همان سرمایه، ثروت، املاک و کالا گفته می شود که مورد توجه انسان قرار گرفته و هنگامی که انسان بخواهد مالک آن (مال) شود، به سوی آن میل و تمایلی می یابد. در گذشته به طلا و نقره نیز «مال» اطلاق می شد. اقتصاد علمی است که پیرامون مسائل تولید، آبادانی، بهره وری، خدمات، سود، پس انداز، تمرکز مالی، مسائل غنی و فقر بحث می کند (الشرباصی، ۱۳۶۰، ص ۳۶- ۷). این تعریف

همانگ با تعریف علم اقتصاد در کتاب لغت نامه آکسفورد است: «اقتصاد علمی است که درباره تولید، توزیع و مصرف کالاها بحث می کند» (A.S. Hornby, p. 275).

پل ساموئلسن اقتصاددان معروف آمریکایی معتقد است که: «علم اقتصاد عبارت است از بررسی روشهایی که بشر به کمک پول یا بدون آن برای بهره برداری از منابع کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات طی زمان و توزیع کالاها و خدمات میان افراد و گروه های جامعه به دلیل مصرف حال و آینده بر می گزیند» (P.Samuelson, 1973, p.3).

مخارج مقدار پولی است که باید پرداخت تا منابع را جذب کرد. در واقع بهای کالاها و خدمات است. اگر مخارج از درآمد بیشتر باشد آن را زیان و اگر مخارج از درآمد کمتر باشد، به آن سود گفته می شود.

مدیریت مخارج مجموعه روش هایی که برای برنامه ریزی و کنترل فعالیت های مخارج و تحقق اهداف یک سازمان، تدوین شده و بهبود می یابد (عین آبادی، ۱۳۸۲، ش ۶۵). دریک تعریف کلی می توان گفت: مدیریت مخارج عبارت است از مجموعه اجزایی که برای رسیدن به اهداف مشترک با یکدیگر تعامل و همکاری دارند (Maher, M.etal.1994).

ب با توجه به مطالب فوق این مقاله درصدد تبیین نقش اقتصادی و مالی شماری از اهل کتاب در مدیریت مخارج که با دولت اسلامی وارد پیمان شده بودند و به اهل ذمه شهرت داشتند در عصر خلفای عباسی در ایران بپردازد

موضوع و بیان مسئله

بی تجربگی مسلمانان در اداره امور مالی و اقتصادی و ضرورت اداره امور مالی در حفظ خلافت اسلامی به رغم اختلافات عقیدتی میان مسلمانان و رعایای بعضا غیرمسلمان، موجب شد که در اداره امور مالی قلمرو مفتوحه ای چون ایران به عناصر محلی واگذار شود. غیرمسلمانان اهل کتاب که با بستن عهد و پیمان با مسلمانان در پناه دولت اسلام بودند، خیل عظیمی از جمعیت ایران فتح شده توسط مسلمانان را تشکیل می دادند. این خیل عظیم اعم از دیوان

سالاران و مستوفیان، پزشکان، مشاوران، هنرمندان و برخی توده مردمی بودند که در امور مالی و اقتصادی، به فراخور جایگاه و شرایط خاص خود نقش آفرینی می کردند. پژوهش حاضر در صدد تبیین نقش اقتصادی و مالی شماری از اهل کتاب در مدیریت مخارج که با دولت اسلامی وارد پیمان شده بودند و به اهل ذمه شهرت داشتند از حد فاصل سال های ۱۳۲- ۳۲۰ (ه.ق) در ایران می باشد. از این رو، ضمن مروری کوتاه بر حوزه مالی و اقتصادی ایران قبل و بعد از فتوح، به حیث کاردانی و مهارت اهل ذمه در نظام مالی و دیوانی و چگونگی نقش آفرینی اشان مورد بررسی قرار می گیرد.

فرضیه

به نظرمی رسد تجربه دیرپای ایرانیان در زمینه مدیریت مخارج مالی و اقتصادی و بی تجربگی مسلمانان در این عرصه ها و مهم تر نیاز حاکمان مسلمان به عناصر ایرانی در اداره امور مالی و اقتصادی، در نقش آفرینی و کارآمدی عناصر اهل ذمه بر نظام مالی و اقتصادی در عصر عباسیان سهم موثری داشته است.

پیشینه

مقاله حاضر نشان می دهد، باوجود مقالاتی که درباره اهل ذمه در ایران موجود است و هرکدام از منظر خاصی از جمله سیاسی، نظامی، اجتماعی و اعتقادی به آن توجه داشته اند. اما پژوهشی درباره نقش اهل ذمه در غالب مدیریت مخارج مالی و اقتصادی دیده نشده است. و وجوه تمایز این مقاله با مقالاتی چون: روابط بین المللی اسلام و مسیحیت از سید حسن امین، مروری بر وضعیت مسیحیان ایران از قرن اول تا چهارم (ه.ق) از شهربانودلبری، بازبینی تحلیلی پایگاه اجتماعی مسیحیان در سده چهارم از دهقان حسام پور، نقش اقلیت های دینی در حیات اقتصادی عهد آل بویه از فاطمه اروجی، در پرداختن به تاثیرات اقتصادی اهل ذمه در خلال سالهای ۱۳۲- ۳۲۰ (ه.ق) می باشد، که از نوآوری لازم برخوردار است.

اهداف

نظر به رویکرد اقتصادی و مالی مورد نظر در مقاله حاضر، انجام تحقیق از اهمیت برخوردار توجهی برخوردار است و اهدافی از قبیل: تلاش در جهت به کارگیری رویکرد اقتصادی در تحقیق، گشودن افقی نو در مطالعات تاریخ پژوهی؛ تبیین مناسبات جامعه و حکومت در ایران دوران اسلامی و ... را دنبال می کند .

و همچنین تعامل جامعه باستانی که هزاران سال حکومت پادشاهی داشته اند، براساس یک سنت دیرینه موروثی آریایی از مادها تا ساسانیان؛ چه در شیوه حکومت داری و چه در اداره امور مالی و اقتصادی و چه در نحوه جامعه کاستی و آگاهی بخشیدن و روشن نمودن آنان با آموزه های قرآنی و حدیثی و سرانجام عصر طلایی تمدن اسلامی را به وسیله همین جامعه باستانی شاهد خواهیم بود .

همچنین به نظر اکثر مورخان، جامعه پهناور ساسانی از ورود اسلام تا اوایل قرن سوم در بعضی از مناطق، خبری از اسلام نبود و سکه های ضرب شده هنوز به نام پادشاهان باستانی بود و یا بر اساس سنت قدیمی اداره می شد.

روش تحقیق

این مقاله با استفاده از روش زمینه شناسی تاریخی با مطالعه منابع متون تاریخی در عصر عباسیان با مراجعه به اسناد معتبر موجود و قابل دسترس انجام می شود .

جامعه آماری

در این پژوهش به بررسی نقش اقتصادی و مالی شماری از اهل کتاب در مدیریت مخارج پرداخته خواهد شد و نحوه تاثیر مهارت اهل ذمه به فراخور جایگاه و شرایط خاصشان در نظام مالی و دیوانی و چگونگی نقش آفرینی آنان مورد بررسی قرار می گیرد.

روش گرد آوری اطلاعات

اطلاعات به شیوه کتابخانه ای جمع آوری شده است.

ابزار گرد آوری اطلاعات

عمده ابزار تحقیق همانا فیش های تحقیق است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فیش های مرتبط با موضوع بر اساس تقدم و تاخر تاریخی از منابع موثق و دست اول تهیه گردیده است. سپس به شیوه معمول پژوهش های تاریخی، تجزیه و تحلیل اطلاعات در پرتو مساله و سوالات و فرضیات با ذکر منبع ارائه می شود و در آخر با توجه به مستندات، نتیجه گیری صورت خواهد گرفت

روش های تعیین اعتبار و روایی

در این مقاله از روش روایی درونی بهره گرفته شده است تا پرسش های طراحی شده، متغیرها و فرضیه های تحقیق را بتواند تا حد امکان اندازه گیری نماید.

یافته ها

یافته های این پژوهش مبتنی برچگونگی نقش آفرینی اهل ذمه باتوجه به نیاز عملی مسلمانان در به کارگیری و جذب و استخدام این عناصردر بهره گیری از تجاربشان، به جذب ذمیان در نظام مالی، اقتصادی و دیوانی خود پرداختند تا هم از تجربه و کاردانی آنها بهره مندشوند و هم تاثیر آن ها برحکومت و جامعه اسلامی، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. ۱ در این جهت با در نظر داشتن شرایط هر عصر در بازه زمانی قرن اول عباسی تا سال ۳۲۰ هجری تحولاتی که در چگونگی نقش آفرینی اهل ذمه در امور مالی و اقتصادی رخ داده است نیز مورد نظر قرار می گیرد.

۱. وضع اقتصادی ایران قبل و بعد از فتوح

از آغاز ورود فاتحان مسلمان به ایران، سرزمین هایی فتح گردید که پر سکنه و دارای نظام های مشخص اقتصادی بود. ایرانیان به توسعه کشاورزی توجه بسیاری داشتند. حتی برخی از پادشاهان ایرانی از جمله انوشیروان به بزرگران ابزار شخم، بذر، گاو و سایر ادوات کشاورزی به عنوان قرض می داد تا اراضی بایر را اصلاح کنند و به مزارع تبدیل گردانند (Sykes, Vol. p. 458). او به اصلاح امور آبیاری و طرق مواصلات نیز مبادرت ورزید (Ibid. p. 462).

علاوه بر کشاورزی، در بسیاری از شهرها از جمله خراسان و سایر ایالت های آن؛ جمع کثیری از پیشه وران و صنعتگران به کارزرگری، نقره کاری، آهنگری، مسگری و بافندگی اشتغال داشتند. و در سایر شهرها از جمله: اصفهان، طبقه شغلی دیگری چون بازرگانان بودند که به کار توزیع محصولات داخلی و یا تجارت بین المللی ابریشم به عنوان واسطه مشغول به کار بودند. اما با این همه ثروت و نعمت و تنوع شغلی و مهارت هایی که بین ایرانیان بود، به نقل از براون «با تمام نعمت ها و ثروت های افسانه ای و شکوه و جلال ظاهری ایران و پادشاهان ساسانی؛ چون حیاتشان مملو از دسیسه و درونشان غلیانی از کینه و کشمکش های داخلی بود، این دولت به ظاهر با عظمت از هم شکافته گردید» (Browne, Vol. 1. pp. 181-182). با وجود تمام نعمات و تنوع مشاغل، سرزمین ایران، از اقوام و مذاهب مختلفی تشکیل گردیده بود؛ که کنار هم زندگی می کردند. با سقوط امپراطوری ساسانیان و ورود اسلام به سرزمین ایران بسیاری از این اقوام و مذاهب بتدریج به اسلام گرویدند. برخی از پیروان ادیان چون: یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صابئین به عنوان اهل ذمه با شرایطی خاص، به تابعیت جامعه اسلامی درآمدند. این نوع تابعیت غیرمسلمانان که با قرارداد دو جانبه با مسلمین منعقد می گردید «ذمی» می گفتند. زمین به عنوان متحدان هم پیمان با مسلمانان، در سراسر قلمرو حکومت

اسلامی از آزادی، امنیت و حقوقی که برطبق قرارداد ذمه امضا نموده بودند، برخوردار می شدند. و با اصل تسامح و تساهل اسلامی در کنارهم و طنان ایرانی خود می زیستند.

اما با گسترش فتوحات، و با وجود تعداد بی شماری از زمین به ویژه در زمان عمر بن خطاب، منجر به طرح احکام جدیدی در مسائل اقتصادی و مالی گردید که پایه های فقهی ارتباط با زمین را در دوره های بعد شکل داد. علاوه بر این اعراب در اداره سرزمین های کسری که بافتوحات به دستشان افتاده بود، و باعث هنگفت شدن اموال فاتحان مسلمان گردیده بود؛ به دلیل عدم ذوق و استعداد و تجربه کافی در کشورداری از همان دوران خلفای اولیه به ویژه در عصر عمر و بعد از او برای اداره این ثروت بیکران و این قلمرو گسترده که به صورت امپراطوری در آمده بود، به تجربیات چند صدساله ایرانیان نیازمند شدند. این امر حتی در عصر عباسیان نیز ادامه داشت به نحوی که زمین، بر همه شئون حکومت استیلا داشتند؛ و بتدریج هوش و نبوغ برخی از آنان، بسیاری از کارها را قبضه کرده به گونه ای که حتی عده زیادی از ایرانیان اهل ذمه و یا زمینی که در دوران برخی از خلفا، مسلمان شده بودند؛ به وزارت رسیدند.

۲. وضع اقتصادی ایران در دوران خلفای عباسی

در دوران اول خلفای عباسی، خزائن عباسیان آباد بود و اموال بی حسابی که به بغداد می رسید، بی دریغ خرج می شد. مخارج شخصی مأمون روزانه ۶۰۰۰ دینار یعنی در سال ۲۱۹۰۰۰۰ دینار می شد. از دلایل آبادی خزائن عباسیان، توجه حکومت به اقتصاد و تجارت بود. یکی از ارکان مهم اقتصاد آن روزگار، کشاورزی بود. که منبع مهم درآمد علاوه بر کشاورزان برای عباسیان نیز بود. به همین جهت خلفای عباسی به کار زراعت و حفر کانال ها و بنای پل ها توجه بسیاری داشتند.

همه مزارع را از آب دجله و فرات سیراب می کردند. بنحوی که این سرزمین را از فراوانی درخت و زراعت و سبزه «سواد» می گفتند (ابراهیم حسن ، ۱۳۹۲، ص ۹۴۴).

عباسیان سعی می کردند، برای دریافت مالیات اراضی؛ قواعد ثابتی را بوجود آورند. هم چنین از محصولات تاکستان ها و باغستان ها و نخیلات نیز مالیات می گرفتند. و بنحوی، در محصول زمینهای خراجیه با کشاورزان سهیم می شدند که به این روش «مقاسمه» می گفتند (سبحانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۵۸۲). زیرا در این روش حتی از مساحت زمین هم مالیات می گرفتند. همچنین از زمین ویران که زراعت نداشت نیز، مالیات می گرفتند. بدین ترتیب بسیاری از زارعین به ویژه برخی از زمین به علت پرداخت مالیات های مختلف و سنگین، در سختی به سر می بردند.

ع عباسیان علاوه بر زراعت و کشاورزی به صنعت و معادن نیز توجه خاصی داشتند. زیرا از منابع معدنی ثروت های فراوانی به دست می آوردند. همچنین از شیشه که با جواهر زینت داده می شد و با طلا بر روی آن نقشهای برجسته به کار می رفت که به آن صنعت مرصع کاری گفته می شد. و ایرانیان به آن شهرت داشتند، برای ساخت جام هایی که خاص پادشاهان بود، در بغداد رواج داده می شد و از آن بهره های فراوانی می بردند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۹۴۹).

خلفای عباسی به تجارت و رواج آن اهمیت زیادی می دادند. به همین جهت در مسیر راهها، چاههای آب و باراندازها می ساختند. و در مرزها، برجها بنامی کردند. برای نگهبانی سواحل از حمله دزدان دریایی، کشتی ها می گماشتند. بدین طریق از وجود ایرانیان به ویژه زمین بهره می بردند. (همان، ص ۹۵۲).

ب به لحاظ اهمیتی که بازار در رونق اقتصاد داشته و دارد، لذا نخستین خلفای عباسی خصوصاً منصور به توسعه بازار اهتمام بسیاری داشت. همچنین در زمان واثق، بعد از آتش سوزیهای متعددی که در بغداد روی داد؛ مبالغ بسیاری به بازرگانان داد تا به ترمیم بازار پردازند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ص ۵۱۱).

وقتی که ایران تحت نفوذ اعراب درآمد از هنر معماری ایرانیان که روشی خاص متناسب با زندگی خویش داشتند، بهره های فراوانی بردند. زیرا عباسیان همگی به ساختمان دلبستگی داشتند. هنگامی که پایتخت خلافت از دمشق به بغداد منتقل گردید، هنر ایرانی در هنر اسلامی نفوذ فراوان یافت. خلفای عباسی، امیران، وزیران و همه بزرگان دولت به ساختن قصرهای زیبا روی آوردند، که در ساخت آنها از هنرمندان محلی استفاده می کردند. در آن روزگار بعضی از ساختمان های بغداد چند طبقه بود که در تزئین آن از هنر پارسی مدد گرفته بودند (ابراهیم حسن، ص ۹۸۷-۹۸۶).

۳. طبقه بندی اقشار مردم از لحاظ شغلی، مالی و اقتصادی در عصر عباسیان

ا پس از انتقال قدرت به عباسیان، عنصر ایرانی از اعراب پیشی گرفت، زیرا ایرانیان بودند که عباسیان را به خلافت رسانیدند، و طبعاً همه کاره عباسیان گشتند. به ویژه با توفیق قیام ابو مسلم خراسانی که منجر به نفوذ بسیاری از خراسانیان اعم از طبیب، ادیب، دبیر و وزیر به دربار خلافت گردید. در این دوره ایرانیان خصوصاً اهل ذمه و موالی از جایگاه برجسته ای برخوردار شدند. و نفوذشان، تأثیر زیادی در سیاستهای اقتصادی خلفا داشت. ا عباسیان نخستین خلفای اسلام بودند، که تعیین منصب وزارت را از ایرانیان آموخته و به ایرانیان وزارت دادند. به علت نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی، خلفای آن سلسله، از آداب و سنن ایرانی الگو گرفته و آن را در اداره حکومت خود به کار بستند. بدین ترتیب ایرانیان و ذمیان ایرانی در تشکیلات اداری و سازمانی دولت عباسی راه یافتند.

ایرانیان به ویژه اهل ذمه که با عنوان کُتاب در دوره اموی در تشکیلات حکومتی فعالیت می کردند، برخی از این خاندان های دیوانی در عهد عباسی، جایگاه ویژه ای در اداره حکومت به دست آوردند.

باتشکیل منصب وزارت، سپس انتقال برخی از وظایف و اختیارات وزراء به کُتاب، تحولی در منصب کتابت در عصر عباسیان پدید آورد. همچنین بسیاری از خلفای عباسی وظایف

و اختیارات خود را به وزیرانی که دارای نفوذ و قدرت فراوانی بودند، واگذار می کردند.

۱ عموم مردم در این دوره به دو گروه تقسیم می شدند: گروهی به عنوان طبقه بالا، به طبقه اشراف نزدیک بودند؛ شامل: دانشمندان، هنرمندان، صنعتگران، بازرگانان و پیشه وران می شد. و گروهی که طبقه پائین را تشکیل می دادند: کشاورزان، چوپانان و روستائیان بودند (حتی، ۱۳۸۰، ص ۴۳۴).

در آن ایام تمدن منحصر به شهرها بود، یعنی به نقاطی که فرمانروایان و اتباع آنان در آن زندگی می کردند. پایتخت هم بر سایر شهرها مقدم بود. شهرنشینان در پناه خلفا و رجال دولت به عیش و نوش می پرداختند. سازندگان، شاعران، نوازندگان، سخنوران و دانشمندان هم به شهرها رومی آوردند و ریزه خوار، خوان نعمت بزرگان می شدند. اما روستاها محل زراعت و درختکاری بود. و عمارتی در آن ایجاد نشده بود، به عبارتی اثری از تمدن آن روز؛ در روستا وجود نداشت. میان مردم اختلاف طبقاتی وجود داشت، به گفته فضل بن یحیی اختلاف طبقاتی مردم آن روز را می توان در چهار طبقه بیان نمود:

۱ اول: پادشاهان که به واسطه شایستگی خداداد بر همه مقدم هستند.

د دوم: وزیران که در اثر هوش و زرنگی برتری یافته اند.

م سوم: بزرگان و اشراف که پیشرفت آنان در نتیجه متمول بودنشان است.

د چهارم: طبقه متوسط که با سخنوری، فضل و دانش؛ خود را به بزرگان نزدیک ساخته اند. بقیه مردم که از این چهار طبقه نیستند مانند: کف دریا و آب سیل، گل آلود، نادان و بی فکر هستند، که جز خفتن چیزی ندانند (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۳۷۷-۳۷۹).

۱ بدین ترتیب مردم شهرهای اسلامی عبارت بودند از: سلاطین و رجال، که رجال به واسطه زیرکی و هوش، خود را به سلاطین نزدیک می ساختند. سپس توانگران بودند، و آن گاه طبقه متوسط یعنی سایر مردم که وضع زندگی آنان بسته به زندگی آن سه طبقه بود.

د در نتیجه اکثر طبقات مردم شهرها در عصر عباسی، ریزه خوار احسان بزرگان بودند و

چشمشان بدست خلفا، امرا و رجال بود. علاوه بر وزیران و والیان و کاتبان که از نزدیکان خلیفه و کارمندان عالی رتبه دولت بودند، سایر مردمانی که از دور و نزدیک به دستگاه خلافت راه می یافتند، ثروت های هنگفت به دست می آوردند. مثلاً شاعران و ساززن ها و آواز خوان ها هر کدام ثروت زیادی به دست می آوردند. بطور مثال: ابراهیم موصلی آوازه خوان هارون ۲۴ میلیون درهم از خود باقی گذارد و برای ترکه جبرائیل بن یختیشوع پزشک هارون ۹۰ میلیون درهم بود. همین قسم در سایر شهرهای اسلامی هر یک از این طبقات به واسطه تقرب به بزرگان، ثروت و مالی فراهم می آوردند، حتی بازرگانان غالباً در پناه نفوذ و قدرت بزرگان آسوده می زیستند.

۱. اماده مسکن برزگر بود و مردم بومی در آنجا زندگی می کردند، عربها آنها را اهل خراج می گفتند. برخی از این مردم برای مالکین مزدوری می کردند و برخی هم با خلفا و رجال و مالکین بزرگ مشارکت داشتند.

د در ممالک فارس و عراق روستائیان پیش از اسلام غالباً خود مالک بودند. ولی پس از اسلام اندک روستائییانی بودند که بواسطه همین مالکیت در دستگاه خلفا راه یافتند و با آنان شریک شدند، و کمتر روستائی بودند که از خود ملک و مزرعه مستقلی داشته باشد (همان، ص ۳۸۰).

ر بنابراین ده نشینان همین قدر خوش بودند که می توانستند با کشت و کار زندگی بخور و نمیری داشته باشند، گرچه بیشتر آنان در نهایت بینوائی می زیستند، و چه بسیار روستائیان که در همه دوره زندگی خویش پول زر (دینار) نمی دیدند. در حالیکه دولتیان در شهرها نشسته از دسترنج آنان هزاران دینار بیهوده می بخشیدند. بدبختی و فقر روستائیان چنان بود که اگر دیناری بطور اتفاقی به دستشان می رسید، آن را سجده کرده و دو یا سه بار آن را می بوسیدند. ولی خلفا، امرا و رجال به مالیات هایی که از روستائیان به ویژه اهل ذمه دریافت می کردند، چشم دوخته بودند. اگر بر مالیات ها افزوده می شد، عطا و بخشش بزرگان هم افزون می شد و بالعکس آن هم بود.

ب بدین ترتیب مالیات را از زارع می گرفتند و زارع در مزرعه هم کار می کرد و هم در آنجا زندگی می کرد. در نتیجه سرچشمه درآمد خلفای عباسی قریه ها و مزرعه ها بود، که از دسترنج کشاورزان بهره می بردند.

۴. مشاغل اقتصادی اهل ذمه در عصر عباسیان

۱ اهل ذمه در مشاغل اقتصادی و صنایع مختلف، فعالیت می کردند. از آن جمله: غالب صرافان بازرگانان یهودی بودند، که غالباً با تجار بزرگ عراق و ایران رقابت می کردند. عده ای از این یهودیان در محله خاصی از اصفهان به نام یهودیه زندگی می کردند؛ اما بیشتر بازرگانان یهودی در شتر بودند که خرید و فروش مروارید خلیج فارس را بدست داشتند. معاملات بیشتر با پول رایج آن زمان «دینار، طلا یا درهم، نقره» بود. اما در میان تجار چیزی همانند چک در معاملات رواج داشت و آن حواله ای بود که از شهری به شهری انجام می گرفت و آن را سفته نیز می گفتند، که بین تجار معتبر بود. گاهی نیز معاملات نزولی می شد؛ اما چون اسلام ربا را ممنوع کرده بود این کار خاص یهودیان و مسیحیان بود (ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۹۶۰). برخی دیگر از یهودیان خیاط، رنگرز و کفاش بودند. یهودیان صنعت رنگرزی را در انحصار خود داشتند، چنانکه اگر در شهری یک نفر یهودی زندگی می کرد، به شغل رنگرزی اشتغال داشت. اغلب پزشکان و کاتبان مسیحی بودند. پزشک مخصوص خلفا معمولاً یک مسیحی بود. ثابت بن سنان پزشک معروف، که خود یکی از ذمیان بود. بر آزمون سراسری پزشکان در دولت عباسی نظارت داشت (مقدسی، ۱۹۰۶ م، ص ۱۸۳-۱۷۹؛ ابن عبری، ۱۹۸۵ م، صص ۱۷۸-۱۶۲-۱۴۰-۱۳۸-۱۳۲-۱۲۴).

ذ ذمیان در دوایر دولتی به عنوان کاتب و کارمند دیوان ها استخدام می شدند و برخی نیز به مراتب عالی می رسیدند. از آن جمله: علی بن فرات، وزیر مشهور عباسی در میان ۹ کاتب مخصوص خود، ۴ کاتب مسیحی داشت. کاتبان مخصوص ابن الفرات به سبب موقعیت دولتی خود، در مجالس وزیر حاضر می شدند؛ و هر روز بر سر سفره اش می نشستند (صابی، ۱۹۵۸ م، ص ۲۶۱).

ه هنگامی که منصور خلیفه عباسی بیمار شد. برای مداوای وی از جورجیس بن بختیشوع

نسطوری رئیس بیمارستان جندی شاپور ایران که انوشیروان آن را بنا نهاده بود، دعوت به عمل آمد. که بعد از آن طبیب دربار گردید (ابن عبری، همان، ص ۱۸۶). همچنین از خاندان بختیشوع، پسر وی، جورجیس و نوه اش جبرئیل مقام بالایی در دستگاه خلافت داشتند. ۱ از دیگر طبیبان مسیحی ایرانی می توان: سهل بن شاهپور، یوحنا پسر بطریق و جبرئیل کحال رانام برد. همچنین ابومخلد بن بختیشوع طبیب نصرانی در بغداد و ابوسهل مسیحی را در خراسان می توان نام برد (ابن عبری، همان، ص ۲۵۸). کوهن، عطار یهودی نژاد در روزگار مهدی عباسی؛ به داروشناسی شهرت داشت (ابراهیم حسن، همان، ص ۹۸۳). ر روتق کار صابئین در عصر خلافت امین عباسی بوده است. در دوران معتصم عباسی بجز ابن ماسویه، ابن بختیشوع و میخائیل وحنین بن اسحاق در کار طب شهرتی داشتند. در دربار خلیفه معتضد می توان ابن دیلم، طبیب نصرانی را نام برد. معتضد، مخارج سپاه و املاک ری رابه حسین بن عمرو نصرانی سپرد و همچنین وی دبیر مکتفی نیز بود (طبری، ۱۹۸۹، ص ۱۶۸). در روزگار همین خلیفه عباسی، ثابت بن قره حرانی از منجمین ذمی این دوره بود؛ (ابن عبری، همان، ص ۱۵۳-۱۶۷، ۱۵۸). برخی از صابئین از جمله سنان بن ثابت، پزشک و هلال بن محسن صابی، نویسنده معروف عباسی بودند (ابن حزم، ۱۳۱۷، ص ۱۱۵؛ ابن جوزی، ۱۳۵۷. ق، ص ۱۳). برخی از زرتشتیان خصوصا در شهر قریطین در شرق فارس به چارواداری و حمل و نقل سنگین شهرت داشتند (مقدسی، ۱۹۰۶، ص ۴۱۵، ۳۹۹، ۴۳۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۷، ص ۴۸۱). دبیر یوسف بن ابی الساج ولایتدار آذربایجان یک نصرانی بنام ابن دلیل بود (همان، ص ۲۵۲).

۵. مدیریت مخارج توسط ایرانیان به ویژه ذمیان در عصر عباسیان

۱ به محض این که خلفای عباسی به اوج عظمت و ثروت می رسیدند، از اداره امور کشور کناره گیری کرده به عیش و نوش می پرداختند. و کارها را به اطرافیان و زیردستان خود مانند: وزیران و نویسندگان و حاجبان که در واقع قائم مقام خلیفه بوده و دارای نفوذ و قدرت فراوانی بودند، وا می گذاردند؛ که میان آنان و مردم واسطه باشند. در حقیقت فرمانروائی را به آنان می سپاردند، زیرا وزیران ایرانی این خلفا، از ملتی بودند که دولت عباسی با کمک آن ملت پدید آمده بودند. امور کشور در دوره اول عباسی با فکر و رای

ایرانیان، اداره می شد، لذا وزیران ایرانی در مدیریت مخارج عباسیان صاحب اختیار مطلق بودند و حرف آنان مانند شمشیر برنده همه کارها را قطع و فصل می کرد. از آن جمله :

۱,۵ برمکیان

۱ برمکیان که معروف ترین وزیران مختار دوران اول عباسی بودند، بر همه چیز کشور دست یافته بودند (ابراهیم حسن، همان، ص ۸۴۴). از جمله: اختیار عزل و نصب ولایتدارها و تصرف اموال خزانه، در واقع همه گشایش ها و بسته شدن کارهای دولت با برمکیان بود، بالا گرفتن کار آنها، کاری به دست خلیفه نبود. خاندان برمکی علاوه بر داشتن اختیارات تام از سوی خلیفه و با دارا بودن ثروت و قدرت در دوران وزارتشان، دارای جود و سخاوت بوده و دستگیر فقرا و نیازمندان بودند. خلفا نیز در جود و کرم به آنان تاسی می کردند. از جمله وزرای این خاندان :

۱,۱,۵ خالد بن برمک

۱ وی که مترجم زبان یونانی و سیاستمدار بودایی در عصر عباسی بود، هنگامی که به کارگزاری فارس رسید، به تقسیط خراج سالیانه و حذف مالیاتهای سنگین پرداخت و با سخاوت و بخشندگی با مردم از عام و خاص رفتار می کرد (جهشیاری، ۱۳۴۸، ص ۱۹۶). و از اهل خراج دستگیری به عمل می آورد (همان، ص ۸۷).

۲,۱,۵ یحیی بن خالد برمکی

۱ وی در بخشش و کرم شهره عصر بود. همه به مدح او زبان می گشودند. و در آبادانی مملکت بسیار کوشا بود. گویند: وقتی یحیی سوار بر مرکب می شد، کیسه ها از پیش آماده بود. در هر یک از این کیسه ها ۲۰۰ درهم بود. یحیی این کیسه های سربسته را به محتاجانی می داد، که هنگام عبور؛ از وی تقاضای کمک داشتند (ابراهیم حسن، همان، ص ۴۹۴). همچنین نقل کرده اند: روزی یحیی و رشید باهم راه می رفتند. مردی نزد هارون الرشید آمده گفت: ای خلیفه چهارپای من سقط شد، رشید گفت: ۵۰۰ درهم به او بدهند، یحیی اشاره ای به هارون کرد، هارون سبب اشاره را پرسید. یحیی گفت: مثل تو، نباید ۵۰۰ درهم به زبان آورد. بلکه باید از ۵ میلیون و ۱۰ میلیون سخن بگوید. هارون گفت: اگر بار دیگر

چنین خواهشی از من شد؛ چه کنم؟ یحیی گفت: دستور می دهی برایش چارپا بخرند و مانند همکارانش با وی رفتار کنند(زیدان، ۱۳۷۲، ص ۳۱۰).

۳،۱،۵ فضل بن یحیی

۱ در سال ۱۷۹ه.ق زمانی که فضل بن یحیی به حکومت خراسان رسید، ۱۰۰۰۰ درهم به دبیران، زوآر و مستخدمین اعطا کرد و مالیات های به تاخیر افتاده را به رعایا بخشید. سپس چندین آب انبار، کاروانسرا و مسجد بنا کرد(جهشیاری، همان، ص ۱۹۶). بدین ترتیب گروهی از رعایا بی نیاز گردیدند. ابن خلکان در مورد بخشش و بلند همتی وی می نویسد: فضل نسبت به همه برمکیان حتی از برادرش جعفر نیز بخشنده تر و بلند نظرتر بود(ابن خلکان، ۱۹۶۸- ۱۹۷۷، ص ۹۹).

۴،۱،۵ جعفر بن یحیی

۱ برمکیان دارای ثروت و قدرت فراوانی بودند، و با بخشش و انفاق اموال به نیازمندان، تاثیر قطعی در رواج اقتصاد و رونق زندگی مردم پایتخت گردیدند. علاوه بر این خلفای عصر خویش را نیز به بخشش و انفاق اموال به مستمندان دعوت می کردند. برای نمونه: عطایای سال ۱۸۶ه.ق، معروف به سال عطایای سه گانه که هارون الرشید با یحیی، امین با فضل، و مامون با جعفر به حج رفته بودند، که آنان سه عطا به مردم دادند و مردم به سبب این عطایا، توانگر شدند. طبری گوید: مقدار این عطایا ۱۰۵۰۰۰۰ دینار بوده است (طبری، ۱۹۸۹، ص ۱۳۳- ۷۳؛ ابن طباطبا: ۱۳۱۷، ص ۱۸۲). برمکیان، خلفا را به این بخشش فرا خوانده بودند، که این بخشش نمونه ای برای فراوانی نعمت در تاریخ خلفا گردید (جهشیاری، همان، ص ۱۷۵؛ یعقوبی، ۱۳۵۶، ص ۴۲۲؛ ابن خلکان، همان، ص ۲۲۴).

۲،۵ خاندان سهل سرخسی

۱ خاندان سهل از بازماندگان خاندان های حکومتی ایران پیش از اسلام بوده، که دارای آئین زرتشتی بودند. پدران خاندان، سهل بن زادن فروخ تحت حمایت یحیی بن خالد برمکی وارد دستگاه حکومتی عباسیان گردید(خطیب بغدادی، ۲۰۱۱م، ص ۲۹۸؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۱). فرزندان وی، حسن و فضل در پی ورود پدرشان به دربار عباسی، به

خدمت فرزندان یحیی درآمدند (جهشیاری، همان، ص ۲۳۰؛ خطیب بغدادی، همانجا).

۱,۲,۵ فضل بن سهل

۱ وی اولین وزیر مامون و دست پرورده برامکه بود. چون کارکشوری و لشکری همه با وی بود، ملقب به ذوالریاستین گردید. اوکه هدفش بازگرداندن عظمت به خراسان «احیای آداب و رسوم ایرانی» بود (ابن طباطبا: همان، ص ۲۰۲). در سخاوت و کرم با برمکیان برابری می کرد (جهشیاری، همان، ص ۳۱۳-۳۱۶). نتیجه همه بذل و بخششهای فضل آن شد که وقتی مامون به بغداد بازگشت، یعنی پس از ۶ سال اقامت در مرو و گرفتن خراج، فقط ۵۰۰۰۰ درهم به همراه خود داشت (طبری، همان، ص ۲۵۵).

۲,۲,۵ حسن بن سهل

۱ حسن بعد از برادرش فضل، به مقام وزارت مامون رسید. وی در دوره وزارتش مورد توجه و احترام مامون بود و خلیفه او را به ذوالکفایتین ملقب نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷؛ صابی، همان، ص ۱۳۰؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۶). مورخان خوش رفتاری و خصوصاً سخاوت او را ستوده اند (صابی، همان، ص ۵۷؛ نخجوانی، ۱۳۵۷، ص ۱۶۱؛ تنوخی، ۱۹۵۵، ص ۱۵۹-۱۶۱). وزارتش را دولتی درخشان و روزگارش را چکیده عصر برمکیان دانسته اند، که خود پرورده آنان بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۰). سخاوت وی به دلیل ثروت فراوان او بود. بذل و بخشش وی مورد تمجید برخی از شعرا بود (ابن عبدربه، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶) درباره بخشندگی، بلند همتی و مردم داری حسن بن سهل بسیار گفته شده از جمله ثعلب: «به حسن گفتند: خیری در اسراف نیست. در پاسخ گفت: اسراف در خیر

نیست» (ابن خلکان، همان، ص ۱۲۰-۱۲۲؛ ابن عماد، ۱۹۷۳، ص ۱۶۷؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ص ۱۷۲؛ خطیب، همان، ص ۳۳۳؛ ابن عدیم، ۱۲۷۸). از دیگر ویژگی های او رهانیدن بسیاری از حبس و مرگ بود (ابن ابی اصیبعه، ص ۱۸۹؛ ابن عدیم، ص ۱۲۷۸).

۳,۵ ابن فرات

۱ علی بن فرات بجای برادرش عباس در ۵۵ سالگی به وزارت رسید. از این وزیر ثروتمند ماهیانه ۵۰۰۰ نفر از ۵ دینار تا ۱۰۰ دینار مستمری می گرفتند و در مدت وزارتش

سالیانه ۲۰ هزار درهم مقرری شعرا بود. وی در سال ۳۱۱ ه.ق بیمارستانی در محله درب المفضل بغداد ساخت و ماهیانه ۲۰۰ دینار خرج آن می کرد (ابن جوزی، ۱۳۵۷، ج ۶، صص ۱۴۶ و ۱۷۴ و ۳۲۰ و ۳۲۲؛ ج ۷، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ ج ۸، صص ۱۰۱ و ۲۵۱؛ ج ۹، صص ۹۱-۱۱۳). و وزرایی چون برمکیان و بنی سهل علاوه برگشاده دستی، قدرت و نفوذی که داشتند؛ از بزرگان، دانشوران و جوانمردان زمان بودند که علاوه بر درخشانی دولشان به رواج ادب کوشش فراوانی داشتند. این امر موجب حسادت، بدگمانی و خشم خلفای عصرشان شد. بدین ترتیب مقدمات زوال و مصادره اموال این خاندان بزرگ فراهم گردید.

۶. تامین مخارج اقتصادی عباسیان از طریق مصادره اموال

خلفای دوران نخستین عباسی که به آن دوره تمدن و ترقی عباسیان گفته می شود، در آغاز اموال وزیران را نه از روی احتیاج بلکه برای مجازات وزیران در مقابل گناهان سیاسی و امثال آن مصادره می کردند. مثلاً: ابوسلمه خلال نخستین وزیر سفاح فردی بخشنده و کریم بود، (جهشپاری، ۱۳۴۸، ص ۳۸۲). هنگامی سفاح باخبر شد، که ابوسلمه می خواهد خلافت را از عباسیان بازستاند، با اشاره سفاح، ابوسلمه کشته شد. و دارائیش ضبط گردید. پس از چندی منصور همان کار را با ابومسلم انجام داد. همچنین منصور؛ فرمان زندانی، شکنجه و قتل ابویوب موریانی و گروهی از وابستگان وی را صادر کرد و اموالش که بالغ بر ۱۰۰ میلیون درهم بوده است (بلاذری، ۱۳۹۸، ق ۳، ص ۲۴۵)، تصرف نمود. همین قسم هارون با برمکیان و معتصم، نخستین خلیفه عباسی که منصب وزارت را به ذمیان واگذار نموده بود (ناجی، ۱۹۹۲، ص ۱۳۲). با فضل بن مروان وزیر تفویض (ماوردی، ۱۴۰۶، صص ۲۴-۲۵) مسیحی خود، به همان شیوه خلفای پیشین رفتار نمود. از آن پس دوره انحطاط فرارسید. یعنی دوره مصادره اموال و تصرف دارایی وزیران جهت رفع احتیاج خلفا بوده است (زیدان، همان، ص ۳۷۰). این دوره، از حکومت متوکل در سال ۲۳۲ ه.ق آغاز شد، که این امر سبب ضعف قدرت در خلافت و تشکیل حکومت های محلی نیمه مستقل یا مستقل گردید. و از سوی دیگر به واسطه و لخرجی های فراوان خلفا و درباریان و عدم ثبات مقامات اداری، زمینه زوال و انحطاط قدرت عباسیان فراهم گردید. لذا ضبط و

مصادره اموال از والیان (استانداران و فرمانداران)، وزیران، قاضیان و ملازمان، کاتبان و منشیان در عصر عباسیان شیوع یافت. زیرا تمام اموال غارت شده ولایات در بغداد جمع می شد و خلفاء نیز آن را مصادره می کردند. تا بدان وسیله کسری بیت المال را جبران نمایند. و این کار را نوعی عدالت اجتماعی می دانستند، بدین ترتیب اموال عمومی را از زیردستان خود گرفته و به خزانه عمومی (بیت المال) می رسانند.

لذا مصادره اموال وزیران در راس تامین مخارج اقتصادی عباسیان قرار گرفت. و این نوع مصادره اموال، حتی به اموال قاضیان و ملازمان تسری یافت. از جمله مقتدر که مخالف به کارگیری زمین در مناصب اداری بود (شیخو، ۱۹۸۹، ص ۱۸)، ولی چهارمشاور و منشی مسیحی در دربار خود جذب نموده بود (خربوطلی، بی تا، ص ۱۴۴)؛ که اموال آنان را نیز مصادره نمود، به قسمی که میزان اموال مصادره تا چهل میلیون دینار رسید. اهل ذمه، هر چند با پرداخت جزیه و خراج در کنف حمایت مسلمانان بودند. اما در بسیاری از جهات قیودی بر آنها تحمیل می شد. و از ظلم و ستم خلفا و کارگزارانشان در امان نبودند. بدین ترتیب هر وقت که می خواستند خراج را می افزودند و هر وقت که می خواستند، آن را می کاستند. جهشیاری در این رابطه داستانی را بیان می کند: روزی منصور برای تماشای نهر «صراه» میان چمنزاری نشسته بود. ناگهان توجه منصور به ماهیگیری جلب شد که تور خود را گسترانده و ماهی بزرگی را صید می کرد. منصور به رئیس شهربانی به نام مسیب دستوراتی یک نفر را مأمور ماهیگیری کند، که هنگام فروش ماهی خریدار را دستگیر کرده و او را نزد منصور ببرد. مسیب چنین کرد. ماهیگیر ماهی را به ۳۰ درهم به یک مرد نصرانی از اهل ذمه، فروخت. فرد نصرانی هنگام پرداخت پول و دریافت ماهی، دستگیر و به حضور منصور خلیفه عباسی برده شد. منصور سوالاتی چند از او پرسید. سپس به مسیب دستورات داد، که از طریق شکنجه فرد ذمی به موجودی خویش اعتراف کند. مرد نصرانی به ۳۰ هزار دینار اعتراف نمود. هنگامی که منصور از او پرسید که این پول را از کجا گردآورده ای؟ فرد ذمی در پاسخ گفت: من همسایه «ابوایوب سلیمان بن ابوسلیمان» منشی تو بودم. او کارهای صرافی و مالی بعضی از نواحی اهواز را به من واگذار نموده بود. و این پول را از آنجا به دست آوردم. منصور در ادامه گفت: این پول از آن ما می

باشد، و تو در آن خیانت کرده ای. آنگاه به مسیب دستور داد، پول را به بیت المال بازگرداند (جهشیاری، همان، ص ۱۵۳- ۱۵۴). همچنین در سال ۲۴۴ ه. ق بختیشوع طبیب، که مورد خشم متوکل قرار گرفته بود. اموالش مصادره گردید، و به بحرین تبعید شد (طبری، همان، ج ۱۱، ص ۵۶).

نتیجه

در عصر خلفای راشدین اهداف مسلمین ترویج اسلام و ارتقای مقام عرب بود. در عصر خلفای اموی به علت نیاز به مال و ثروت، اهدافشان را براساس گردآوری مال و ثروت، عرب سالاری و تعصبات قومی و نژادی، تحقیر سایر ملل قرار داده و به ترویج دین اهمیت نمی دادند. اما اهداف خلفای عباسی به ظاهر ترویج اسلام، پرهیز از جانبداری اعراب و حمایت از فرهنگ، بازرگانی و کشاورزی که از عوامل توسعه تمدن است، بود. و از ایرانیان اعم از اهل ذمه و موالی برای اجرای این مقاصد یاری می طلبیدند، و ایرانیان نیز بهترین یاری رسان و کمک کننده بودند. زیرا از یک سو، ایرانیان به ویژه اهل ذمه پیش از اسلام دارای تمدن درخشانی بودند، و از سوی دیگر چون مرکز خلافت عباسی در ایران (عراق) بود، لذا ایرانیان از صمیم قلب در تقویت دستگاه خلافت عباسی می کوشیدند. چون تقویت خلافت را دلیل بر آبادی سرزمین خود می دانستند. بدین جهت شهرها آباد گردید، و از اطراف و اکناف اموال فراوانی جمع و خزانه خلفا از ثروت لبریز شد. بدین ترتیب دولتها به منتهای عظمت و ثروت رسیدند، و از اداره امور کشور کناره گیری کرده و کارها را به وزیران و امیران و امثال آنها واگذارند، که میان آنان و مردم واسطه باشند؛ تا بهتر به خوشگذرانی هایشان بپردازند. اطرافیان خلیفه و ملازمانشان نیز، دستگاه با شکوهی برای خود ایجاد نمودند و به تجمل و خوشگذرانی پرداختند.

لذا به علت طمع رجال دولتی به زندگی تجملی، فساد در حکومت و جامعه حاکم گردید. و اوضاع مملکت رو به تباهی گذاشت و ثروت عمومی مملکت روز به روز کاسته شد. تا حدی که برای تامین منافع رجال سودپرست طمع کار منابعی باقی نماند. عمال دولتی نیز از قدرت سوء استفاده کرده و به غارت و یغما دست زده از توجه به مصالح عمومی چشم

پوشیدند. و ملک و ثروت گردآوردند، که قسمتی را پس انداز و صرف خوشگذرانی خود نموده و قسمتی را به خانه وزیران، امیران، سرداران و بزرگان دولتی منتقل کردند. مأمورین دولتی نیز در وصول و ایصال مالیاتها به زور و جبر متوسل گشتند، خلفا نیز برای حفظ مقام و دولت خویش، اموال وزیران، بزرگان و مأمورین عالی رتبه را مصادره می کردند. بدین نحو روزگار مردم به ویژه اهل ذمه را پریشان ساختند، به قسمی که از جان خود سیر شدند، چون در پرتو توجهات حکومتی می توانستند، جان و مالشان را از همه نوع مخاطرات در امان نگاه دارند. در نتیجه پس از این همه ظلم خلفای عباسی بتدریج دستگاه خلافت روبه ضعف رفته و سرانجام متلاشی شد.



منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پائنده، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۹۲
- ۲- ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن بن علی، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصار، چ ۵، ۱۳۸۷
- ۳- ابن ابی اصیبعه، احمد، عیون الانباء، به کوشش نزار رضا، بیروت، دارمکتبه الحیاه
- ۴- ابن جوزی، ابوالفرج، عبدالرحمن بن علی بن محمد، المتظم فی تاریخ الملوک و الامم، مطبعه دارالمعارف العثمانیه، حیدرآباد، دکن، ۱۳۵۷ هـ.
- ۵- ابن حزم، علی بن احمد اندلسی، الفصل فی الملل و الهواء و النحل، قاهره
- ۶- ابن خلکان، محمد محیی الدین عبد الحمید، تاریخ و فیات الاعیان، چ احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۸-۱۹۷۷
- ۷- ابن عبدربه، احمد، العقد الفرید، چ علی شیری، بیروت، ۱۴۰۸- ۱۴۱۱ / ۱۹۸۸-۱۹۹۰
- ۸- ابن عبری، ابوالفرج، غریغوریوس بن اهرن بن توما ملطی (۶۸۵ هـ / ۱۲۸۶ م)، تاریخ مختصر الدول، ج ۲، المطبعه الکاثولیکیه، بیروت، ۱۹۸۵ م
- ۹- ابن عماد، عبدالحی، شذرات الذهب، به کوشش عبدالقادر و محمود ارناووط، دمشق، بیروت ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۹۷۳ م
- ۱۰- ابن عدیم، عمر، بغیه الطلب، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دارالفکر
- ۱۱- ابن طباطبا، محمد بن علی، الفخری فی الاداب السلطانیه، مصر، الکتب العربیه، ۱۳۱۷
- ۱۲- ابن طقطقی، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷
- ۱۳- ابی یوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، قاهره، ۱۳۵۲
- ۱۴- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، به کوشش: عبدالعزیز دوری، بیروت، دارالفکر،

۱۳۹۸ق

۱۵- تنوخی، محسن بن علی، الفرج بعدالشدّه، قاهره، ۱۳۷۵/۱۹۵۵

۱۶- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس، کتاب الوزراء و الكتاب، ترجمه ابو الفضل طباطبائی،

۱۳۴۸

۱۷- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰

۱۸- الخربوطلی، علی حسنی، اسلام و اهل الذمه، امارات عربی متحده، لجنة التعریف بالاسلام،

[بی تا] ۱۹-

خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۱۱ م

۲۰- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی

۲۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر صادق سجادی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ

اسلامی، ۱۳۹۸

۲۲- ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعبی ارنووط و دیگران، بیروت،

۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م

۲۳- الریس، ضیاء الدین، خراج و نظام های مالی دولت های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، چ

دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳

۲۴- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲

۲۵- سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، معالم الحکومه، قم، موسسه الامام الصادق (ع)، ط ۴۱، ۱۴۱۳

ه.ق.

۲۶- الشرباصی، احمد (۱۳۶۰)، المعجم الاقتصاد الاسلامی، دارالجلیل، ۱۴۰۱ ه، ۱۹۸۱ م.

۲۷- شیخو، لوئیس، وزراء النصرانیه و کتابها فی الاسلام، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۹

۲۸- صابی، هلال بن محسن، رسوم دارالخلافه، چ میخائیل عواد، بغداد، ۱۳۸۳/۱۹۶۴

۲۹- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات،

۱۹۸۹

۳۰- طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰

۳۱- عین آبادی، جوادو قزایی پور، رضا، چارچوب مدیریت هزینه و بررسی آن در شرکت مرشدس

بنز؛ نشریه صنعت خودرو، شماره ۶۵، ۱۳۸۴

۳۲- قفطی، جمال الدین، تاریخ الحکماء، تهران، ۱۳۷۱

۳۳- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۶

۳۴- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴

۳۵- مقدسی، شمس الدین، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۰۶ م.

۳۶- ناجی، محمود، اهل الذمه فی الاسلام، القاهرة، دارالمعارف، ۱۹۹۲

۳۷- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، تجارب السلف، تهران، چ عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۵۷ ش

۳۸- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، ۱۳۵۶ ش

39- E.G.Browne: "A Literary History of Persia". (London 1909).

40- Hornby, A.S.(1974), Oxford Learners Dictionary of Current English,Oxford.

41- Maher, M and deakin, E,(1994), Cost ac.counting, 4ed , Richard D,Irwin,USA.

42- P. Sykes: "A History of Persia (London 1930).

43- Samuelson, Paul (1973), Economics, International Student Eddition 6 th Ed, Mc Graw-Hill.

The economic and financial role of the Iranian Dhimmis in
managing expenses in Abbasid dynasty
(132-320 AH)

Abstract.

The study of the economic and financial role of the Dhimmis in managing expenses and their influence on the Abbasid caliphs with titles such as writing, medicine, and consulting is one of the topics that, has been less discussed. Although the conquered lands were quickly dominated by Muslim Arabs, lack of experience forced them to take advantage of the economic and financial policies of the Dhimmis in managing the expenses. This article tries to explain the economic and financial role of the Dhimmis in the Abbasid era by means of historical texts and some financial and economic theories based on rational and extensive research.

Keywords: Dhimmi, Iranian, Financial and Economic, Managing Expenses, Abbasid eras

